

بررسی ملاک‌های حضور زنان در جامعه منطبق بر

عملکرد پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام

کسب سید محمد زمانی فرد^۱

کسب علیرضا روحی^۲

چکیده

مشخص کردن محدوده حضور زنان در جامعه، از مسائل مهمی است که به آن توجه شده است. زنان در نگاه پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام تا چه حد و در چه مکان و موضوعاتی می‌توانند در جامعه حضور پیدا کنند؟ از آنجاکه حساسیت این مسئله زیاد است، نیازمند پژوهشی دقیق میباشد؛ بنابراین باید بررسی کرد که آیا معصومان علیهم السلام، به‌عنوان مهم‌ترین الگوهای شیعیان در طول تاریخ، در این باره نظر و ملاکی معین کرده‌اند یا آن را به عرف جامعه واگذار کرده‌اند. از آنجاکه دیدگاه‌ها درباره این موضوع، گستره‌ای وسیع از حکم به برابری کامل زن و مرد در همه عرصه‌ها تا سلب تمام حقوق اجتماعی زنان را در بر می‌گیرد، لازم است برای یافتن محدوده مطلوب، به سیره پیامبر اکرم ﷺ و امام علی علیه السلام رجوع شود و شاخص‌ها و ملاک‌های ایشان به دست آید. هدف از این مقاله، دست یافتن به ملاک‌های پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام است؛ زیرا برای رسیدن به جامعه مطلوب و سالم باید براساس سیره این دو حاکم دینی حرکت کرد. در این نوشتار با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به کشف ملاک‌های پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: محدوده حضور زنان، جامعه اسلامی، ملاک‌های پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام.

۱. دانش پژوه سطح سه رشته تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، مدرسه تخصصی قرآن و عترت، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)، S.M.Z@chmail.ir

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران، dr.rohy@gmail.com

بدون تردید ضوابط و محدوده حضور زنان در جامعه ازجمله مسائل مهمی است که مطرح است. مسئله‌ای که به‌خاطر شایع بودن، حساسیت‌های فراوانی را برانگیخته است. با در نظر گرفتن این شرایط، باید دید که ملاک و شاخص‌های حضور زنان در جامعه بر چه اساسی باید تعیین شود و آیا اساساً در این خصوص اهل بیت علیهم‌السلام، به‌عنوان یکی از الگوهای مهم رفتاری و دینی در فرهنگ شیعی، اظهارنظری داشته‌اند یا خیر و آن را به عرف جامعه محول کرده‌اند.

دیدگاه‌های مختلفی درباره نحوه حضور زنان در جامعه مطرح شده است؛ تاجایی که نوعی تشکیک در این فضا مشاهده می‌شود. دامنه این دیدگاه‌ها از اعتقاد به برابری حق زن و مرد در همه امور تا نفی هرگونه حقی برای زن در جامعه در تلاطم است. از آنجایی که این اظهارنظرها و اعمال سلیقه‌های مختلف اهمیت این مسئله را دوچندان کرده است، ضروری است تا این محدوده با مراجعه به سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علی علیه‌السلام بررسی و نظر این دو حاکم دینی، به‌عنوان مهم‌ترین ملاک در یافتن دیدگاه تاریخی اسلام درباره حضور زنان در جامعه کشف شود.

اگرچه کتاب‌هایی نظیر الگوی اجتماعی، پایگاه و نقش زن مسلمان در جامعه اسلامی اثر فاطمه صفری، اثرات تربیتی حضور زنان در جامعه تألیف سوسن حداد عادل، نقش زنان در تاریخ اسلام نوشته سیدمحمود سامانی، اشتغال زنان در تکامل جامعه کاری از نیره حسن‌نژاد و آسیب‌شناسی نقش و جایگاه زنان در خانواده و جامعه و راه حل مصونیت‌بخشی قرآنی در این دو حیطه نوشته سهیلا رسولی و مقالاتی مانند «ارائه شاخص‌های الگوی مطلوب اشتغال بانوان براساس تجربه صدر اسلام» نوشته وحید مقدم، «بررسی عرصه‌های حضور زنان در دوره حکومت امام علی علیه‌السلام» اثر زهرا یوسفیان، «بررسی اشتغال زنان از دیدگاه اسلام و غرب» تألیف قربانعلی عاطفی، «تحصیل زنان و سبک زندگی؛ آسیب‌ها و راهکارها» از حمید ملک‌مکان و «حضور

نظامی زنان در صدر اسلام» اثر سهیلا جلالی کندری و... درباره حضور زنان در جامعه نگاشته شده است؛ اما هیچ کدام به صورت مستقل و منسجم به محدوده مجاز حضور زنان در اجتماع و ضوابط حاکم بر آن از دیدگاه پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ پرداخته‌اند یا به اشارات کوتاهی بسنده کرده‌اند.

هدف این نوشتار، بررسی سیره معصومان ﷺ و کشف ضوابط حضور زنان برای نیل به یک جامعه سالم است. در این مقاله، با روش توصیفی تحلیلی و براساس اسناد کتابخانه‌ای، عملکرد و خط فکری این دو معصوم ﷺ بررسی می‌شود.

۱. آشکال حضور زنان در جامعه

برای روشن شدن چگونگی حضور زنان در اجتماع، ابتدا باید به آشکال حضور ایشان در جامعه اشاره شود. بدین منظور، سه دوره جاهلیت، عصر پیامبر اکرم ﷺ و امام علی ﷺ بررسی و مطالب شرح داده می‌شود. نحوه حضور زنان در اجتماع در این سه دوره، براساس دیدگاه‌های مربوط به عصر جاهلیت، دوران پیامبر اکرم ﷺ و امام علی ﷺ تحلیل خواهد شد.

۱.۱. دوران جاهلیت

هرچند عرصه‌های حضور زنان دوره جاهلیت در اجتماع گسترده بوده، محدود به چند حیطه محدود نبوده است؛ اما طبق شواهد، مردان برای جایگاه زن ارزشی قائل نبودند. مردان این دوران، زن را مخلوقی بین انسان و حیوان می‌پنداشتند که تنها نقش او، تکثیر نسل و خدمتگزاری به مرد بود (لویون، ۱۳۳۴: ۵۱۳؛ بخاری، ۱۴۰۷: ج ۶، ۶۹؛ عمر فروخ، ۱۹۸۴: ۱۵۵). زنان دوره جاهلیت در عرصه‌های گوناگون جامعه، از جمله جنبه‌های اقتصادی، دایگی نوزادان، فحشا، حضور نظامی، شعر و کهنات حضور داشتند که به اجمال به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱.۱.۱. حضور اقتصادی

در عصر جاهلیت، زنان مشغول کارهایی از قبیل دوشیدن شتر و پشم‌ریسی بودند (عفی، ۱۹۳۲: ج ۱، ۸۵). عده‌ای از آنان نیز، مانند حضرت خدیجه رضی الله عنها (ابن هشام، ۱۹۵۵: ج ۱، ۱۸۷)، هند، همسر ابوسفیان (عفی، ۱۹۳۲: ج ۱، ۸۸) و أم‌شیه، دختر ابی طلحه (طبری، ۱۴۰۷: ج ۲، ۱۳۹) مردانی را برای تجارت به کار می‌گرفتند و برخی دیگر از زنان، مانند نشیم، به عطرفروشی مشغول بودند (ابن حجر، ۱۴۱۵: ج ۶، ۳۰۴).

دایگی نوزادان نیز، یکی از مشاغل زنان در جامعه عصر جاهلیت بود. دایه‌ها از بادیه به شهر آمده، برای پذیرفتن دایگی نوزاد دیگران اعلام آمادگی می‌کردند و مردم شهر نیز برای تحصیل بلاغت، فصاحت و جنگ‌آوری فرزندان خود را به دایه‌ها می‌سپردند (ابن هشام، ۱۹۵۵: ج ۱، ۱۶۲).

گاه، حضور زنان در بازار، مشکلاتی می‌آفرید که برای نمونه می‌توان به «جنگ فجار دوم»^۱ اشاره کرد. ماجرا از آنجا آغاز شد که زنی از قبیله بنی‌عامر برای خرید به بازار عَکاظ (بازار معروف قریش در مکه) رفت. عده‌ای از جوانان هوس‌باز از او خواستند تا بُرّقع خود را کنار بزند. هنگامی که وی از این کار خودداری کرد، به‌صورت پنهانی با تیغی لباس او را شکافتند و بدن وی نمایان شد. همین موضوع، دستاویزی برای شروع جنگ فجار دوم شد (ابن اثیر، ۱۴۱۷: ج ۱، ۵۲۷: بغدادی، ۱۴۰۵: ج ۱، ۱۶۳).

۱. «فجار» در لغت از مفاجره و فجور به معنای فسق و عصیان گرفته شده است؛ چنان‌که گفته‌اند: در زمان جاهلیت چند جنگ میان قبایل عرب اتفاق افتاده که این جنگ‌ها را «فجار» نامیده‌اند؛ چون در ماه‌های حرام بوده و حرمت ماه حرام را شکسته‌اند یا به‌خاطر اینکه مشتمل بر خلاف‌های دیگری بوده است.

۲.۱.۱. حضور نظامی

حضور در میدان جنگ، از دیگر عرصه‌های حضور زنان در عصر جاهلیت است. زنان برای هجو دشمن و تشویق مردان به نبرد، با به کارگیری حربه‌های جنسی و برای تقویت حس انتقام‌جویی مردان قبیله، در میادین نظامی حضور می‌یافتند. هند، همسر ابوسفیان، در جنگ اُحد به همراه سایر زنان، این اشعار را می‌خواندند: «ما دختران طارقیم. روی فرش‌های فاخر راه می‌رویم. اگر با دشمن روبه‌رو شوید، با شما هم‌بستر می‌شویم و اگر از دشمن فرار کنید، از شما جدا می‌شویم.» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۴، ۱۹۲۲).

اُم عمرو بنت وقدان برای تشویق مردان به جنگ این گونه شعر می‌خواند: «اگر شما انتقام برادران را نگیرید، پس سلاح خود را بیندازید و به دوردست‌ها بروید و سرمه‌دان بردارید و مانند زنان نقاب به صورت بزنید.» (جبوری، ۱۹۸۹: ۳۳۷).

فرماندهان جنگ، زنان و دختران جنگاوران را به صحنه نبرد می‌آوردند تا مردان، تمام تلاش خود را برای پیروزی انجام داده، آبروی خود را حفظ کنند. جنگ چنین نمونه بارز این سیاست است که در آن، قبیله هوازن همه زنان و فرزندان خود را به صحنه مبارزه آوردند (ابن هشام، ۱۹۵۵: ج ۲، ۴۳۷).

۳.۱.۱. حضور فرهنگی

در دوران جاهلیت، آموزش منحصر به شعر و کتابت بود و شماری از زنان دوشادوش مردان در این عرصه حضور داشتند. اُم جُنْدَب، همسر امْرُوءُ الْقَیْس، یکی از زنانی بود که در محل رقابت سروده‌های شعری، بازار عکاظ، به مقام داوری رسیده، در رقابت میان همسرش و شاعری دیگر به نام عُلْقَمه رأی به برتری علقمه داد (عفی، ۱۹۳۲: ج ۱، ۱۵۰). هند و جُمَعَه، دختران خَس، از دیگر زنانی بودند که در این رقابت‌ها با مردان دیگر مناظره می‌کردند (ابن طیفور، ۱۹۰۸: ۵۸).

خُتْسَاء، دختر عمرو، از قبیله سُلَیمه نیز از شاعران مشهور آن زمان به شمار می‌رفت (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۴، ۱۸۲۷).

البته این جایگاه، به معنای کمال و سعادت زنان در جامعه نبود؛ چراکه هرچند در میان اشعار جاهلیت، ابیات اخلاقی و تربیتی نیز یافت می‌شود، مضمون اغلب این اشعار حول معشوقه، شراب، تفاخرات قبیله‌ای، اسب و توصیف شتر بوده، از مضامین متعالی و انسانی خالی است.

۴.۱.۱. کِهانت

یکی از معانی کاهن، کسی است که به‌خاطر ارتباط با اجنه، مدعی اشراف بر اسرار غیبی است؛ ازجمله کاهنان فراوان عصر جاهلیت شق و سَطیح بودند. عرب جاهلی اهمیت فراوانی به کِهانت می‌داد و برخی از زنان در این فن چنان زبده شده بودند که مردان دیگر برای مشورت نزد آنان می‌رفتند. یکی از این زنان طُرفه کاهن نام دارد که در کار خود بسیار ماهر بود (کحاله، بی‌تا: ج ۲، ۳۶۷).

۵.۱.۱. فحشا

یکی دیگر از عرصه‌های حضور زنان در جامعه، کسب درآمد از راه فاحشه‌گری بود. زنان فاحشه معروف به «اصحاب رایات» (صاحبان پرچم) بودند که با برافراشتن پرچم‌هایی بر سردر منازل خود، آمادگی خویش را اعلام می‌کردند (حلبی، ۱۴۰۰: ج ۱، ۶۹). افزون بر این، افرادی نیز کنیزان خود را وادار به تن‌فروشی کرده، از این راه درآمد کسب می‌کردند. قرآن کریم این عمل زشت را به‌شدت محکوم کرده، می‌فرماید: «و کنیزان خود را که می‌خواهند پاک‌دامن باشند، برای به دست آوردن متاع ناچیز و زودگذر زندگی دنیا به زنا وادار مکنید.»^۱

۱. «لَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (نور، ۳۳).

طبق شأن نزول این آیه، عبدالله بن ثنیل و عبدالله بن اُبی دو نفر از کسانی بودند که کنیزان خود را اجبار به این کار می کردند. دو کنیز ایشان به نام های اُمّیه و مُسیکه به پیامبر خدا ﷺ شکایت بردند و در پی آن، این آیه نازل شد (مقاتل، ۱۴۲۳: ج ۳، ۱۹۸).

۲.۱. دوران پیامبر ﷺ

با بررسی گزارش های شیعه و سنی در منابع تاریخی، روشن می شود که حضور در عرصه های گوناگون اجتماعی در دوره پیامبر ﷺ با دوران جاهلیت تفاوت هایی دارد. از عمر بن خطاب نقل شده است که: «در دوران جاهلیت زنان را چیزی حساب نمی کردیم؛ اما پس از ظهور اسلام و با اهمیتی که خداوند ﷻ به آنان داد، دریافتیم که زنان بر گردن ما حقی دارند، بدون آنکه ما برای ایشان منزلتی قائل باشیم.» (بخاری، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۱۴).

اسلام زنان را نیمه ای از مردان می داند^۱ (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۳، ۲۴۸) و با توجه به ویژگی های جسمی و تفاوت ساختاری زن و مرد، تکالیف، حقوق و وظایف آنان را مشخص کرده است. زنان دوره نبوی ﷺ با فراگیری تعالیم اسلامی و شناخت جایگاه خویش، توانستند در عرصه های گوناگونی همچون سیاست، هجرت، شهادت و تعلیم و تعلم نقش آفرینی کنند؛ البته این نقش آفرینی، با رعایت ضوابط جدیدی بود که از سوی پیامبر گرامی اسلام ﷺ بر اختلاط زن و مرد اعمال شد. این دستورالعمل ها از سوءاستفاده جنسی جلوگیری کرد و زن در جامعه، هرچه بیشتر، به سوی رشد و کمال سوق یافت.

اکنون باید عرصه های حضور زنان در عصر نبوی ﷺ بررسی شود که به چند نمونه اشاره می شود.

۱. «أَنَا الْمَرْءُ شَقَائِقُ الرِّجَالِ».

۱.۲.۱. فراگیری علم

از جمله زنان بزرگ محدّثه در طول تاریخ که در دورهٔ پیامبر ﷺ حضور داشتند، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) بود که با تعلیم معارف الهی، راه درست زندگی کردن را به دیگران آموخت و این موضوع گویای دانش و اندیشهٔ عمیق ایشان است (مجلسی، بی تا: ج ۲، ۳؛ طبری صغیر، ۱۴۱۳: ۶۶؛ عباس قمی، ۱۴۱۶: ج ۱، ۲۲۹). طبق گزارش‌های تاریخی، ۱۰۲۲ نفر از زنانی که در زمان حیات پیامبر ﷺ زندگی می‌کرده‌اند، به واسطهٔ تعلیمات ایشان، به دین اسلام گرویده‌اند (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ج ۷، ۳ تا ۴۲۵). این دسته از زنان در دوران ده سالهٔ حضور پیامبر ﷺ در مدینه، بی واسطه، خدمت آن حضرت حاضر شده، سؤالات خود را مطرح می‌کردند و پاسخ می‌گرفتند؛ برای مثال، اُمّ سلیم بعد از آنکه به محضر پیامبر ﷺ رسید، دربارهٔ غسل جنابت از ایشان سؤالی پرسید و آن حضرت نیز پاسخ گفتند (بخاری، ۱۴۰۷: ج ۱، ۶۰).

پس از رحلت رسول خدا ﷺ و اعمال ممنوعیت کتابت حدیث، زنان جزو کسانی بودند که نقل احادیث می‌کردند. حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، علی‌رغم عمر کوتاه، معارف الهی را تعلیم می‌دادند؛ به نحوی که زنان و مردان از ایشان حدیث نقل کرده‌اند. اسماء بنت عمیس در عصر نبوی ﷺ با نقل احادیث از پیامبر ﷺ نقش زیادی در روشننگری و آگاهی بخشی به مردم در عرصهٔ سیاسی داشت. اُمّ سلمه، اسماء بنت ابی بکر، عایشه، اسماء بنت زید و بسیاری دیگر از زنان بودند که به نقل احادیث پیامبر گرامی اسلام ﷺ و تعلیم آن‌ها مشغول بودند و روایاتشان در منابع شیعه و سنی نقل شده است (ابن عقده الکوفی، بی تا: ۴۰).

۲.۲.۱. هجرت

یکی از برجسته‌ترین اتفاقات تاریخی در دورهٔ بعثت پیامبر ﷺ، موضوع هجرت است که نقش بسیار مهمی در پیشرفت اسلام داشته است. حضور زنان به همراه مردان در رقم زدن این فصل مهم تاریخ اسلام بسیار درخور توجه می‌باشد؛ زیرا آنان هستند که هم‌پای شوهرانشان به این مهم

پرداخته، بدان اقدام کرده‌اند. در عصر جاهلیت چنین مرسوم نبود که زنان نیز به همراه مردان به سفر بروند؛ اما در عصر نبوی ﷺ، با اذن رسول خدا ﷺ و برای پیگیری هدفی ارزشمند، زنان مؤمنه برای هجرت به حبشه و مدینه، علی‌رغم مشکلات طاقت‌فرسا، با مردان همراه شدند؛ از جمله زنانی که سختی‌های این هجرت را به جان خریدند، همسران جعفر بن ابی طالب، خالد بن سعید، عبیدالله بن جحش، ابن کعب بن سعد، مَطْلَب بن أَزْهَر و همچنین زینب و فاطمه دختران حارث بودند (ابن هشام، ۱۹۵۵: ج ۱، ۳۲۹).

۳.۲.۱. حضور نظامی

دراستای دفاع از پیامبر اسلام ﷺ و ارزش‌های اسلامی، زنانی تحت فرماندهی ایشان در دو جبهه تبلیغی و مداوای مجروحان، به یاری رسول خدا ﷺ شتافتند. از جمله این زنان، حضرت فاطمه زهرا ؑ، اُمّ سُلَیم و اُمّ ایمن بنت ثعلبه بن عمرو بودند که با رساندن آب و غذا و مداوای مجروحان جنگ اُحد، دین خداوند ﷻ را یاری کردند. در همین جنگ بود که حضرت زهرا ؑ، برای مداوای زخم‌های پیامبر ﷺ و جلوگیری از خون‌ریزی، تکه‌ای حصیر را سوزانده، خاکستر آن را بر روی جراحات قرار دادند (واقعی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۹۵). برخی از زنان، به‌خاطر ضرورت، در جنگ شرکت می‌کردند و گاهی با خود سلاح نیز به همراه می‌آوردند. از جمله زنانی که به هنگام ضرورت و به‌خاطر شرایط حساس جنگ، به‌صورت مستقیم، با دشمن روبه‌رو شدند، صَفِیّه، اُمّ سُلَیم و اُمّ عُمّاره بودند (واقعی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۲۶۹).

نسبیه بنت کعب معروف به اُمّ عُمّاره، یکی از زنانی بود که برای مداوا و آب‌رسانی به مجروحان جنگ اُحد آمده بود؛ اما زمانی که دید جان پیامبر ﷺ در خطر است، شمشیر برداشت و از ایشان دفاع کرد. حضور نسبیه در غزوه بنی قریظه و شجاعت او در این نبرد، باعث شد که سهمی از غنائم را به او بدهند (واقعی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۱۱۰). اُمّ سلمه و اُمّ عُمّاره به‌ترتیب در هشت و هفت غزوه شرکت داشته‌اند (ابن سعد، ۱۹۶۸: ج ۸، ۳۰۳؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۴، ۵۰۳) از جمله

زنانی که در غزوات حضور داشته‌اند، حضرت فاطمه علیها السلام، سمیرا بنت قیس، عایشه، حمّنه بنت جحش، صفیه، أمّ ایمن، أمّ سنان اسلمیه، أمّ حبیبه بنت جحش و أمّ سلیم اشاره بوده‌اند (واقدی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۶۸۵). صفیه بنت عبدالمطلب، أمّ سلیط، مادر سعد بن معاذ و أمّ العلاء نیز از دیگر زنانی هستند که در غزوه بنی قریظه حضور داشته‌اند (واقدی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۶۹۴).

یکی دیگر از فعالیت‌های زنان در عرصه نظامی، پاسخ به هجویات و تلاش‌های دشمن در راستای جنگ روانی بود. وقتی دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله از زنان برای هجو مسلمانان و تقویت روحیه سربازان خود بهره می‌گرفتند، زنان مؤمنه با الهام از تعالیم اسلامی و با اذن پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ این هجویات را می‌دادند. در جنگ أحد و پس از شهادت حمزه سیدالشهداء علیه السلام که روحیه مسلمانان از دست رفته بود، هند، همسر ابوسفیان که سرمست از پیروزی بود، با خواندن اشعاری به هجو و شماتت مسلمانان پرداخت. در این هنگام آروی بنت حارث، نوه حضرت عبدالمطلب، با پاسخی مناسب، فتنه او را دفع کرد (ابن طیفور، ۱۹۰۸: ۳۲). همچنین زمانی که یک یهودی به نام کعب بن اشرف در اشعار خود با زنان مسلمان معاشقه کرد، زنی از انصار به هجویات او پاسخ داد، او را ساکت کرد (ابن حبیب بغدادی، بی تا: ۸۱ تا ۸۲).

۴.۲.۱. حضور اقتصادی

از جمله کسانی که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در عرصه اقتصادی فعال بودند، زینب عطاره بود که به عطفروشی مشغول بود و از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره عظمت پروردگار سؤالی پرسید (صدوق، ۱۳۸۷: ۲۷۶). زینب بنت جحش، همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۴، ۱۸۵۱) و رائقه، همسر عبدالله بن مسعود که یکی از یاران محدث پیامبر صلی الله علیه و آله بود، نیز از جمله زنان فعال در عرصه اقتصاد خانواده به شمار می‌آمدند (ابن سعد، ۱۹۶۸: ج ۸، ۲۲۵).

تعداد رزمندگانی که در غزوه تبوک به نبرد امپراتوری روم رفتند، حدود سی هزار نفر برآورد شده است. به‌خاطر دوری راه و حساس بودن این نبرد و نبود استطاعت مالی رسول خدا صلی الله علیه و آله در

تجهیز تمامی رزمندگان، برخی از زنان زیورآلات خود را برای کمک به پیروزی لشکر اسلام، به پیامبر ﷺ دادند. طبق گزارش‌ها، پارچه‌ای از انگشترها، خلخال‌ها، بازوبندها و دستبندها که حاوی کمک‌های زنان به سپاه مسلمانان بود، در مقابل پیامبر ﷺ پهن بود (واقعی، ۱۴۱۴: ج ۳، ۷۵۵).

رَمَلَه، دختر حارث بن ثعلبه خزرجی، خانه‌ای بزرگ در نزدیکی مسجد رسول‌الله ﷺ داشت که آن را در اختیار پیامبر ﷺ قرار داد. این خانه به‌خاطر موقعیت مناسب که در مرکز شهر بود، به پیشبرد اهداف حکومت اسلامی کمک بزرگی کرد (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ج ۱، ۲۹۹).

۵.۲.۱. حضور سیاسی

بیعت در اسلام، نوعی حق انتخاب است که زنان با انجام آن مسئولیت اجتماعی خود را می‌پذیرند. با توجه به جایگاه زنان در جامعه جاهلی و شرکت نداشتن آنان در پیمان‌های مهم اجتماعی، حضور چند زن در پیمان‌های مهم عقبه اول و دوم و همچنین در صلح حدیبیه و فتح مکه، نشان از اهمیت جایگاه زنان در اجتماع از نظر اسلام دارد. اسلام برای زنان نیز، همچون مردان، نقش قائل شده، آنان را نیز متعهد به رعایت شئون اسلامی دانسته است.

زنان در بیعت‌های مختلفی، از جمله بیعت رضوان و عقبه اول و دوم، حضور داشتند و پیامبر گرامی اسلام ﷺ را یاری کردند؛ از جمله زنانی که در عقبه اول با رسول خدا ﷺ بیعت کرد، عفره بنت عبید بن ثعلبه بود (ابن‌هشام، ۱۹۵۵: ج ۱، ۴۲۹؛ ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ج ۳، ۴۴۳). در بیعت عقبه دوم، حضور ۷۳ مرد به همراه ۲ زن گزارش شده است (ابن‌هشام، ۱۹۵۵: ج ۱، ۴۴۱؛ ابن‌سعد، ۱۹۶۹: ج ۸، ۴۱۲ تا ۴۰۸). پیمان حدیبیه نیز، به‌خاطر شایعه قتل عثمان که برای صحبت با قریش از طرف پیامبر ﷺ مأموریت داشت، شرایط مسلمان را پیچیده و حساس کرده بود. در همین زمان بود که مسلمانان عهد بستند که تا سرحد مرگ از پیامبر ﷺ دفاع کنند (ابن‌هشام، ۱۹۵۵: ج ۲،

۳۱۵). در بین یبعت کنندگان اسم چهار زن به نام‌های اُم‌عامر، اُم‌عمار، اُم‌سلمه و اُم‌منیع به چشم می‌خورد (زمانی محبوب، ۱۳۹۰: ۹۱ تا ۱۰۲؛ واقدی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۵۷۴).

۳.۱. دوران امام علی (ع)

حکومت تقریباً پنج‌ساله امام علی بن ابی‌طالب (ع) نیز ادامه دوران پیامبر (ص) بود. در این دوران، زنان در عرصه‌های مختلفی فعال بودند که به اجمال زمینه‌های فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی بیان خواهد شد.

۱.۳.۱. حضور سیاسی

پس از رحلت رسول خدا (ص)، حضرت فاطمه زهرا (ع) در حمایت از حق جانشینی امام علی (ع)، به صراحت از حکومت وقت انتقاد کرد. اُم‌سلمه نیز در ماجرای غصب فدک توسط ابوبکر، درحالی که بزرگان و خواص سکوت کرده بودند، با شجاعت تمام در برابر خلیفه ایستاد و از حق حضرت زهرا (ع) دفاع کرد؛ تاجایی که در آن سال از عطایا محروم ماند (عباس قمی، ۱۴۱۶: ج ۴، ۲۲۹ تا ۲۳۰؛ طبری صغیر، ۱۴۱۳: ۱۲۴؛ صدوق، ۱۴۱۷: ۳۱۱).

یکی از کسانی که در عرصه سیاسی دوران امام علی (ع) حضور داشت، اُم‌الفضل بنت حارث بود. ایشان دومین یا سومین زنی بود که بعد از حضرت خدیجه (ع) به اسلام گروید. وی که در زمانه پیامبر (ص) با جسارت حق را تشخیص داده، برخلاف جریان غالب حرکت کرد، در دوران امام علی (ع) نیز با حمایت از رهبری و ولایت ایشان، بصیرت سیاسی خود را به نمایش گذاشت (بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۴، ۲؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۲، ۴۹۷).

وقتی اُم‌الفضل از عزیمت عایشه، زبیر و طلحه به سمت بصره مطلع شد، نامه‌ای با این محتوا برای امام علی (ع) فرستاد: «ای امیرالمؤمنین (ع)! بدان که عایشه، طلحه و زبیر قصد عزیمت به بصره و تشویق مردم برای جنگ با تو را دارند. [...] خدای متعال یار توست و تو برحق. [...]»

والسلام». سپس این نامه را به همراه صد دینار به فردی به نام ظفر داده، گفت هرچه زودتر آن را به امام علی علیه السلام برساند (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۴۱۰ و ۴۱۱؛ مفید، ۱۴۱۴: ۱۸).

أم‌الخير بنت حريش بن سراقه از دیگر زنانی بود که در دوران حاکمیت امام علی علیه السلام در این عرصه حضور داشت؛ به همین دلیل، پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام، معاویه او را به دربار خود خواند (ضبی، ۱۴۰۳: ۳۲ تا ۲۷). از دیگر زنان دوران حکومت امام علی علیه السلام دارمیّه حَجُوتیّه بود که با قدرت احتجاج خود علیه مخالفان در دربار معاویه با کمال شهامت از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام دفاع و با فصاحت تمام، معاویه را مفتضح کرد (ابن عبدربه، ۱۴۱۲: ۳۵۲ و ۳۵۳).

۲.۳.۱. حضور نظامی

در دوران حکومت امام علی علیه السلام که با نیرنگ‌ها و حيله‌های معاویه و وقوع جنگ‌های متعدد مصادف بود، زنان بابهصیرت توانستند از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام دفاع کرده، تا حدودی نقشه‌های دشمن را خنثی کنند. معرکه صفین یکی از همین عرصه‌هاست که بانوان مجاهد در میدان جنگ حضور یافته، به افشای چهره واقعی معاویه و نیرنگ‌هایش پرداختند.

این جنگ به‌بهانه خون عثمان به پا شد و معاویه انگشت بریده نائله، همسر عثمان بن عفان، را دست‌آویز مطامع خود قرار داده، مردم شام را علیه امیرالمؤمنین علیه السلام تحریک می‌کرد؛ ازاین‌رو این جنگ حضور زنانی بابهصیرت و مجاهد را می‌طلبید که با حضور در صفین پاسخ تحرکات دشمن را داده، حقایق را بیان کنند؛ ازجمله این زنان، اُم‌سنان بنت خُثیمه، عکُرشه بنت اَطش، دارمیّه حَجُوتیّه، زَرَقاء بنت عدی نوّه حاتم طائی و اُم‌الخير بنت حريش بودند که با خطبه‌های آتشین و روشنگرانه خود، نقشه‌ها و کفر معاویه را برملا و از حقانیت حضرت امیر علیه السلام دفاع می‌کردند (ابن طیفور، ۱۹۰۸: ج ۱، ۴۲).

اُم سلمه، همسر رسول خدا ﷺ، کسی است که به هنگام جنگ جمل، عایشه را نصیحت کرده، ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به او یادآور شد. وی خطاب به عایشه چنین گفت: «من از تو تعجب می‌کنم که خون عثمان را طلب می‌کنی! مگر تو مردم را بر کشتن او تحریک نمی‌کردی؟ اکنون این چه کاری است که بر پسرعم رسول خدا، علی بن ابی طالب (علیه السلام) شوریده‌ای؟» (ابن قتیبه، ۱۴۱۰: ۷۳) دقت و حساسیت اُم سلمه در دفاع از علی (علیه السلام) تا حدی بود که نه تنها حامی ایشان بود؛ بلکه شیعیان و پیروان علی (علیه السلام) را نیز پشتیبانی می‌کرد: «در مورد شیعه علی (علیه السلام) چه می‌گویید؛ درحالی که ایشان روز قیامت نجات یافته و رستگارند.» (بلاذری، ۱۴۱۷: ۲، ۱۸۲؛ اربیل، ۱۴۲۱: ج ۱، ۱۴۶؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۲۳، ۳۳۰).

عایشه جزو کسانی بود که در آغاز حاکمیت امام علی (علیه السلام) با ایشان مخالفت کرد و باعث شروع جنگ جمل شد. وقتی به عایشه خبر رسید که مردم با علی (علیه السلام) بیعت کرده‌اند، عایشه گفت: «به خداوند سوگند، عثمان مظلومانه به قتل رسید من خون‌خواه او هستم.» عبید در جواب عایشه گفت: «تو اولین کسی بودی که عثمان را ملامت می‌کردی؛ تاجایی که گفتی این نَعْتَل (پیرمرد یهودی خرفت) را بکشید که گناهکار شده است.» عایشه پاسخ داد: «به خداوند سوگند قسم، من گفته‌ام. پایان سخن من از آغاز آن بهتر است.» (ابن قتیبه، ۱۴۱۰: ۷۹).

۳.۳.۱. حضور فرهنگی و علمی

علم و فرهنگ، یکی از عرصه‌های حضور زنان در دوره حکومت امام علی (علیه السلام) است. منظور از فرهنگ، مجموعه‌ای از سنن، هنجار و ناهنجاری و آداب و رفتارهای اجتماعی است که مواردی، همچون تبیین مبانی دینی، بیان احادیث، فراگیری علم و اشعار را در بر می‌گیرد. زنان دوره علوی با نقل حدیث و سرودن شعر، در عرصه فرهنگی فعال بودند.

حضرت زینب (علیه السلام) یکی از زنان فعال در عرصه علم و فرهنگ بود که از پدر، مادر، برادر، اُم‌هانی و اُم سلمه روایت نقل می‌کرد. ابن عباس خطبه‌های حضرت زهرا (علیه السلام) درباره فدک را از

قول حضرت زینب علیها السلام نقل کرده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۱۶). حضور ایشان در واقعه عاشورا و ایراد خطبه‌ای قراء بعد از کربلا و جسارت و جرئت ایشان، به‌خصوص زمانی که مرد شامی دختر امام حسین علیه السلام را به‌عنوان کنیز طلب کرد، نشان از شجاعت و والایی عقل حضرت زینب علیها السلام دارد (صدوق، ۱۴۱۷: ۲۲۹؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ج ۶، ۱۳۲).

از دیگر زنان فعال در عرصه فرهنگی سوده همدانی بود. وی که دارای فصاحت و بیان بود، اشعاری را در رابطه با رهبری جامعه این‌گونه سرود: «[...] و علی و حسین علیهما السلام و قوم او را یاری ده و بر هند و پسرش بتاز تا خوار شوند. این امام علیه السلام که برادر محمد پیامبر صلی الله علیه و آله است، پرچم هدایت و منار ایمان است.» وقتی معاویه از سوده علت سرودن این اشعار را پرسید، او قاطعانه پاسخ داد: «دوستی علی علیه السلام و پیروی حق مرا به سرودن این اشعار واداشت.» (ضبی، ۱۴۰۳: ۶۲ تا ۷۰).

شاهدی دیگر دال بر حضور زنان در فضای فرهنگی، نقل روایاتی است که درباره جایگاه امام علیه السلام صورت گرفته است. معاذیه عدویه بنت عبدالله (بیهقی، ۱۴۰۵: ج ۶، ۳۷۹) و ام‌موسی (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷: ج ۷، ۳۳۹ تا ۳۵۹) از جمله کسانی هستند که درباره فضایل امام علی علیه السلام روایاتی را نقل کرده‌اند. ام‌موسی خدمتکار امام علیه السلام بود و سخنانی را که در شب شهادت ایشان بیان شده بود، از زبان ام‌کلثوم نقل کرده است (مفید، ۱۳۴۶: ۱۳). از دیگر راویان امام علی علیه السلام ام‌سلمه و اسماء بنت عمیس بودند که نمونه‌های بارزی از ایمان و وثاقت بوده‌اند (خویی، ۱۳۷۱: ج ۴، ۲۳۰). حبابه والیه و ام‌اسلم نیز دو تن از راویان حضرت بوده‌اند که آگاه به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بوده، ایشان را تصدیق کردند (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱، ۳۴۶).

۲. راهکارهای حضور صحیح زنان در جامعه

آنچه دوران پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام را از دوران جاهلیت متمایز می‌کند، ضوابطی است که بر اختلاط زن و مرد حاکم است. در عصر جاهلیت، حریم‌هایی بین زن و مرد وجود داشت؛ اما آن‌چنان‌که باید، نتوانسته بود مانع از تحریکات جنسی و سوءاستفاده از مقام زن شود.

قوانینی که برای حفظ زن و کرامت او در دوران پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام وضع گردید، باعث شد زنان جایگاه واقعی خود را بیابند. در این دوران، زنان از باب ضرورت و برای اهدافی بارزش، مانند دفاع از اسلام و ولایت، پا به عرصه اجتماع گذاشتند؛ از این رو، با مراجعه به سیره پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام، راه حل این مسائل بررسی می‌شود.

۱.۲. نحوه گام برداشتن

برای یافتن ضوابط مطرح در باب چگونگی حضور زن در جامعه، ابتدا به قرآن کریم مراجعه می‌شود. در قرآن این گونه بیان شده است که وقتی حضرت شعیب علیه السلام به یکی از دختران خود دستور داد به دنبال حضرت موسی علیه السلام برود، یکی از آن دو، درحالی قدم برمی‌داشت که نجابت و حیا از طرز راه رفتن وی پیدا بود.^۱ واژه «استحیاء» دلالت بر این دارد که این دختر، دوست نداشت در برابر مردان راه برود و با مردان نامحرم سخن بگوید (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۴، ۱۹).

در سوره شریفه نور، خداوند تعالی به زنان دستور می‌دهد به گونه‌ای گام بردارند که موجب جلب توجه نامحرمان و به تبع آن، تحریک جنسی آنان شود: «زنان نباید پاهایشان را به هنگام راه رفتن به گونه‌ای به زمین بزنند که زینت‌های پنهانشان توسط نامحرمان شناخته شود.»^۲

۱. «فَجَاءَتْهُ إِخْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» (قصص، ۲۵).

۲. «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» (نور، ۳۱).

یکی از نکات محوری در نحوه حضور زنان که از این بخش استنباط می‌شود، رعایت حیاست. الگوی پیشنهادی اسلام برای حضور سالم زنان در جامعه، رعایت عفت و حیاست و با رعایت این موضوع، زنان می‌توانند در اجتماع حضور یافته، به پیشرفت جامعه کمک کنند.

۲.۲. نحوه پوشش

پوشش زنان دوران جاهلیت، به گونه‌ای نبود که به‌طور کامل مانع تحریک و جاذبه جنسی زن در اجتماع شود. زنان این دوره، مقنعه‌های خود را به پشت گوش می‌انداختند و این کار باعث می‌شد بخش‌هایی از بدن، مانند سینه، گوش و گردن ایشان آشکار شود و حتی این پوشش باعث نمی‌شد تا حجم بدن و زیبایی‌های آن به‌طور کامل پوشانده شود (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۱، ۱۹۷).

به همین سبب، قرآن کریم دستور به پوشش همه قسمت‌های بدن، به‌جز وجه و کفین، در برابر نامحرم می‌دهد:

«و به زنان بالیمان بگو: "چشمان خود را از آنچه حرام است فروبندند و شرمگاه خود را حفظ کنند و زینت خود [مانند لباس‌های زیبا، گوشواره و گردنبند] را مگر مقداری که [طبیعتاً مانند انگشتر و حنا و سرمه، بر دست و صورت] پیداست [در برابر کسی] آشکار نکنند و [برای پوشاندن گردن و سینه] مقنعه‌های خود را به روی گریبان‌هایشان بپندازند."»^۱

و در جایی دیگر به پوشاندن حجم بدن و زیبایی‌های آن در برابر نامحرم حکم می‌کند:

«ای پیامبر! به همسران و دختران و همسران کسانی که مؤمن هستند، بگو: "چادرهایشان را بر خود فروپوشند [تا بدن و آرایش و زیورهایشان در برابر دید نامحرم قرار نگیرد]". این [پوشش] به اینکه [به عفت و پاک‌دامنی] شناخته شوند، نزدیک‌تر است و در نتیجه [ازسوی اهل فسق و

۱. «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ» (نور، ۳۱).

فجوراً مورد آزار قرار نخواهند گرفت.^۱

با بررسی سیره رسول خدا ﷺ، مشاهده می‌شود که ایشان برای اجرای دستورات خداوند ﷻ در قرآن کریم، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند؛ به عنوان مثال، به چند مورد اشاره می‌شود.

۱.۲.۲. خمار برای دختران

از آنجایی که رعایت دستورات خداوند ﷻ برای پیامبر گرامی اسلام ﷺ از اهمیت زیادی برخوردار بود، ایشان به‌شخصه برای دخترانی که تازه به سن بلوغ رسیده بودند پارچه‌هایی به‌عنوان خمار برای پوشاندن موی سرشان می‌فرستادند و از این راه به آنان اعلام می‌کردند که بالغ شده‌اند و باید به شرایط مختلف بلوغ، از جمله وجوب پوشش عمل کنند. عایشه می‌گوید: «پیامبر خدا ﷺ بر من وارد شد و دختر نوجوانی را در کنار من دید. ایشان حقوه‌ای (نوعی پارچه) به من داد و فرمود: "آن را به دو نیم تقسیم کن؛ نیمی را به این دختر بپوشان و نیمی را برای دختری که در خانه‌ام سلمه حضور دارد بفرست."» (ابوداود، ۲۰۰۹: ج ۱، ۴۷۹).

امر پیامبر خدا ﷺ به این پوشش، مقدمه‌ای برای تمایز بین دختران بالغ و نابالغ شد. از آنجاکه تربیت غیرمستقیم و تدریجی اثربخشی بیشتر و ماندگارتری دارد، بعد از آن پیامبر ﷺ دستور می‌دادند تا دختران برای نماز خواندن، ابتدا خمار به سر کنند. به همین مناسبت ایشان می‌فرمود: «خداوند ﷻ نماز دختر بالغ را فقط با خمار می‌پذیرد.» (ابوداود، ۲۰۰۹: ج ۱، ۴۷۸)؛ لذا این دختران تازه بالغ شده، به تدریج با این پوشش جدید انس گرفته، در غیر نماز هم خمار به سر می‌کردند.

۱. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» (احزاب، ۵۹).

۲.۲.۲. تذکر بابت پوشش زنان

پیامبر گرامی اسلام ﷺ نه تنها بر خود پوشش اصرار داشتند؛ بلکه بر کیفیت آن نیز تأکید داشتند و اگر دختر نابالغی با لباس های نامناسب در برابر نامحرمان رفت و آمد داشت، به او تذکر می دادند. طبری با سلسله سند خود از عایشه نقل می کند:

«روزی دختر برادرم عبدالله بن طفیل به خانه من آمد و سپس پیامبر خدا ﷺ بر من وارد شد؛ اما روی از دختر برادرم برگرداند. به ایشان گفتم: «ای رسول خدا ﷺ این دختر برادرم بوده، نوجوان است.» آن حضرت فرمودند: «وقتی دختر بالغ می شود، تنها جایز است صورت و دستانش نمایان باشد و سپس [برای نشان دادن حدود مجاز] دستش را بر محل جدایی ساعد از کف دست دیگرش قرار داد.» (طبری، ۱۴۱۲: ج ۹۳، ۱۸).

علاوه بر این دو موضوع، رسول خدا ﷺ به پوشیده بودن حجم بدن زنان نیز دقت داشتند و در صورتی به ایشان اجازه پوشیدن لباس های روپین نازک را می دادند که حتماً یک لباس ضخیم در زیر آن به تن کرده بودند. در روایتی آمده که حضرت لباسی را به اُسامه هدیه دادند و او نیز آن را به همسرش داد. مدتی بعد وقتی حضرت، اُسامه را دیدند از او پرسیدند که لباس را چه کرده است. اُسامه گفت: «آن را به همسرم داده ام.» پیامبر ﷺ فرمودند: «همسرت باید زیر این لباس، لباس ضخیمی بپوشد تا حجم بدنش نمایان نباشد.» (بوصیری، ۱۴۲۰: ج ۱، ۲۸۰).

عایشه نقل می کند که روزی زنی با لباس نازک وارد خانه شد. رسول خدا ﷺ روی خود را از ایشان برگرداندند. وقتی علت را پرسیدم، فرمودند: «وقتی زن به سن بلوغ می رسد، نباید اندامش دیده شود؛ مگر صورت و دست ها.» سپس فرمودند: «هر زنی که در غیر از خانه شوهرش مقنعه از سر خود بردارد، حجاب را رعایت نکرده است.» (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۴، ۲۸۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۵، ۳۰).

۳.۲. نگاه به نامحرم

از منظر قرآن کریم و روایات نبوی ﷺ، کنترل نگاه یکی از مؤثرترین روش‌های کاهش میل جنسی و تحریک‌پذیری دو جنس زن و مرد است. خداوند ﷻ به مردان و زنان باایمان امر کرده که نگاه خود را فروگیرند و از هرآنچه که عقلاً و شرعاً مجاز به نگاه کردن به آن نیستند، اجتناب کنند: «به مردان مؤمن بگو: "چشمان خود را [از آنچه حرام است، مانند دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران] فروبندند."»^۱ «و به زنان باایمان بگو: "چشمان خود را از آنچه حرام است، فروبندند."»^۲

طبق شأن نزول آیه نخست، جوانی از انصار زنی را دید که مقنعه خود را به پشت گوش انداخته بود و بالطبع گردن و مقداری از سینه وی نمایان بود؛ درحالی که این زن پیش می‌آمد، این جوان نیز به او می‌نگریست و زمانی که آن زن وارد کوچه شد، همچنان جوان به پشت سر خود نگاه می‌کرد و او را زیر نظر داشت. در همین حین ناگهان به تیزی استخوان یا شیشه‌ای که در دیوار بود برخورد کرد و صورتش شکافت. وقتی زن از کوچه عبور کرد، جوان انصاری متوجه شد که از صورتش خون جاری است. با خود گفت که به خداوند ﷻ سوگند، این اتفاق را به رسول خدا ﷺ خواهم گفت. وقتی پیامبر ﷺ او را دیدند، پرسیدند چه شده است. این جوان نیز ماجرا را بازگو کرد. در همین زمان بود که این آیه نازل شد (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۱، ۱۹۷: حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۱۹۲: سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۵، ۴۱).

در روایات نیز، نگاه به نامحرم از روی شهوت، به تیری زهرآلود ازسوی شیطان تشبیه شده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام از پیامبر خدا ﷺ روایت فرموده‌اند: «نظر کردن در محاسن زنان

۱. «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» (نور، ۳۰).

۲. «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» (نور، ۳۱).

تیری است زهرآگین از تیرهای شیطان. هرکه به خاطر طلب ثواب خداوند ﷻ از ایشان چشم فروبندد، خداوند ﷻ به خاطر بندگی او، عبادتی نصیص کند که با ثواب آن شاد شود.» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ج ۱۴، ۱۲۴؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۴، ۱۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۰، ۱۹۲).

۴.۲. نحوه بیعت زنان با پیامبر خدا ﷺ

یکی دیگر از محل‌های کشف ضوابط بین زن و مرد نامحرم که توسط پیامبر ﷺ وضع شده است، کیفیت بیعت زنان با ایشان است. بیعت که به معنای اعلام وفاداری و پذیرش ریاست دیگری است، از سنت‌های جاهلی بوده که مورد پذیرش اسلام نیز قرار گرفته است. زنان دوران جاهلیت نقشی در بیعت و امور مهم نداشتند؛ اما در زمان پیامبر ﷺ و به خاطر شأن و کرامتی که برای ایشان قائل بودند، از زنان نیز بیعت گرفته شد.

در احادیث معتبر شیعه و سنی، استنکاف پیامبر گرامی اسلام ﷺ از دست دادن با زنان، به صراحت ذکر شده است. ایشان به یکی از روش‌های زیر با زنان بیعت می‌کرده‌اند.

۱.۴.۲. بیعت در ظرف آب

در این روش، در ظرف وضوی حضرت مقداری آب ریخته می‌شد و ایشان دست خود را در آب فرومی‌بردند. سپس این ظرف برای سایر زنان برده می‌شد و زنان، دست خود را به نشانه بیعت در ظرف آب فرومی‌بردند (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۱، ۲۰۹).

۲.۴.۲. بیعت به صورت کلامی

این نوع بیعت بدین گونه بود که پیامبر اسلام ﷺ تعهدات و تکالیف زنان را به صورت شفاهی بیان می‌فرمودند و زنان نیز این شرایط را می‌پذیرفتند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ج ۱۹، ۱۶۸).

۳.۴.۲. بیعت از پس پرده

در این نوع بیعت، میان حضرت و زنان پرده‌ای قرار داشت که یک طرف را پیامبر ﷺ و طرف دیگر را زنان در دست می‌گرفتند و با این کار با رسول خدا ﷺ بیعت می‌کردند (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ج ۱۹، ۱۶۹).

۵.۲. دوستی نکردن زن و مرد نامحرم

در قرآن کریم، دوستی زن و مرد بیگانه به شدت نکوهش شده است. در آیه ۲۵ سوره مبارکه نساء، یکی از مجوزهای ازدواج با کنیز این است که با نامحرمان دوستی نداشته باشد: «[جواز این ازدواج مشروط به آن است که کنیزان] پاک‌دامن باشند، نه زناکار و نه گیرندگان دوست پنهانی.»^۱

در رابطه با ازدواج با اهل کتاب نیز قرآن کریم چنین دستوری دارد: «و [نیز ازدواج با] زنان پاک‌دامن مؤمن و زنان پاک‌دامن از اهل کتاب، در صورتی که مهریه آنان را بپردازید. بر شما حلال است. چنانچه [بخواهید با آن ازدواج] پاک‌دامن باشید، نه زناکار و نه آنکه آنان را در پنهانی معشوقه خود گیرید.»^۲

اخذان، جمع «اخذن» به معنای مصاحب، یار و دوست است و اغلب درباره کسی به کار می‌رود که به دلیل خواش نفسانی و میل شهوانی، با کسی دوستی می‌کند (ازهری، ۱۴۲۱: ج ۷، ۱۲۵؛ راغب، بی تا: ج ۳، ۱۷۱).

۱. «فَانكِحُوهُنَّ بِأَذْنِ أَهْلِهِنَّ وَ آتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَ لَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ»
 ۲. «وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَ لَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ»

۶.۲. تفکیک زن و مرد در محیط کار و عبادت

پیامبر گرامی اسلام ﷺ برای سلامت هرچه بیشتر زن و مرد و تکریم آن‌ها، روش‌هایی را به کار می‌بردند؛ از جمله این روش‌ها، تفکیک زنان و مردان در مسجد است.

۱.۶.۲. تفکیک صف‌های نماز در مسجد

در مسجد، هنگام نماز جماعت، ابتدا صفوف مردان و سپس صفوف زنان تشکیل می‌شد تا از هرگونه اختلاطی بین زن و مرد جلوگیری شود. پیامبر اکرم ﷺ برای جلوگیری از این اختلاط، صفوف نخست مردان را بهترین صف‌ها نامیده، تشویق به قرار گرفتن در این صفوف کردند؛ برعکس، صفوف نخست زنان را بدترین صف‌ها شمرده، به زنان توصیه فرمودند که در صفوف آخر قرار بگیرند (مسلم نیشابوری، بی‌تا: ج ۱، ۳۲۶؛ ابن حنبل، ۱۴۱۹: ج ۳، ۲۹۳؛ فتال نیشابوری، بی‌تا: ج ۱، ۴۰۳).

۲.۶.۲. اختصاص درب ویژه برای زنان

جلوگیری از اختلاط زن و مرد، برای پیامبر گرامی اسلام ﷺ چندان اهمیت داشت که دری را به خروج زنان اختصاص دادند و مردان اجازه رفت‌وآمد از آن در را نداشتند. برخی از منابع اهل سنت آورده‌اند که عبدالله بن عمر، تا زمانی که زنده بود، هرگز نتوانست از آن در رفت‌وآمد کند (ابوداود، ۲۰۰۹: ج ۱، ۴۲۳).

۳.۶.۲. خروج مردان از مسجد پس از خارج شدن کامل زنان

جلوگیری از تماس فیزیکی زن و مرد هنگام خروج از مسجد، برای رسول خدا ﷺ بسیار مهم بود؛ از این رو، ایشان و سایر مردان تنها زمانی از مسجد خارج می‌شدند که اطمینان می‌یافتند همه زنان خارج شده‌اند و احتمال تماس میان زن و مرد منتفی است. اُم سلمه، همسر رسول خدا ﷺ، در توصیف این رفتار پیامبر ﷺ نقل کرده است که پس از اتمام نماز، ایشان اندکی درنگ کرده،

منتظر می ماندند تا همه زنان از مسجد بیرون روند. نکته درخور توجه این است که تا رسول خدا ﷺ بر نمی خاستند و از مسجد خارج نمی شدند، سایر مردان نیز برای خروج اقدام نمی کردند؛ به این ترتیب، از هرگونه برخورد فیزیکی زن و مرد با یکدیگر جلوگیری می شد.

أم سلمه می گوید: «در زمان رسول خدا ﷺ، زنان پس از پایان نماز برخاسته، از مسجد خارج می شدند و پیامبر ﷺ و مردان دیگر، تا خروج کامل زنان صبر کرده، سپس خارج می شدند.» (بخاری، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۹۵؛ سنن نسائی، ۱۴۰۶: ج ۳، ۶۷).

۴.۶.۲. امر به رعایت فاصله زنان و مردان در خارج از مسجد

رسول خدا ﷺ برای زنان خارج از منزل نیز ضوابطی را معین کرده بودند. ایشان از زنان می خواستند هنگام عبور و مرور در خارج از خانه، از کنار کوچه، نه از وسط آن، حرکت کنند تا با مردان برخوردی نداشته باشند. در منابع فریقین به این مهم اشاره شده است:

«(زنان نباید از وسط مسیر حرکت کنند؛ بلکه باید از کنار مسیر به راه خود ادامه دهند.)» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۱، ۱۹۰). «وقتی حضرت متوجه شدند که زنان و مردان بیرون از مسجد در مسیر با هم اختلاط پیدا کرده اند، فرمودند: "زنان باید با تأخیر حرکت کنند. سزاوار نیست شما زنان از وسط مسیر حرکت کنید؛ بلکه باید از کنار به راه خود ادامه دهید." پس از این دستور، زنان از کنار کوچه ها عبور می کردند؛ به گونه ای که لباس ایشان به دیوار می چسبید.» (ابوداود، ۲۰۰۹: ج ۶، ۵۴۳).

سیره امیرمؤمنان، علی (ع)، نیز بر همین اساس استوار بود. ایشان وقتی فهمیدند زنان کوفه در بازار با هم اختلاط پیدا می کنند، با تویخ به ایشان فرمودند: «ای اهل عراق! شنیده ام که زنان شما در راه به مردان تنه می زنند. آیا شرم نمی کنید؟» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۱، ۲۳۲).

قرآن کریم نیز به این موضوع پرداخته است؛ آنجا که از رفتار عقیفانه دختران حضرت شعیب علیه السلام تمجید می کند که ایشان برای برخورد نکردن با مردان بیگانه، منتظر می ماندند تا دیگران گوسفندان خود را سیراب کنند و سپس به دام های خود آب بدهند.^۱

۲.۲. نحوه گفت و گو و رعایت ضرورت گفت و گو با جنس مخالف

قرآن کریم از زنان مؤمن می خواهد هنگام گفت و گو با مردان نامحرم، مراقب باشند تا آهنگ، لحن یا محتوای کلامشان به گونه ای نباشد که باعث تحریک جنسی طرف مقابل شود: «در گفتار خود، نرمی و طنازی نداشته باشید تا کسی که در دلش بیماری است در شما طمع کند و نیکو و پسندیده سخن بگوید.»^۲

لحن صدای زن، تا حدی در تحریک جنس مخالف مؤثر است که امیرالمؤمنین علیه السلام از سلام کردن به زنان جوان خودداری می کردند. ایشان علت آن را این گونه توضیح می دهند: «خوف آن دارم که صدای زن در نظرم خوش آید و آنچه به این خاطر در قلب من وارد می شود، بیشتر از پاداشی باشد که از سلام دادن نصیب من می شود.» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۴، ۷۰۸).

اکتفا به گفت و گوی ضروری و رعایت ضوابط معین شده در سیره معصومان علیهم السلام، هنگام سخن گفتن با نامحرم، نیز عامل بسیار مهمی در پیشگیری از تحریک جنس مخالف است. با بررسی گفت و گوی دختران حضرت شعیب علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام، مشاهده می شود که آن دو، به حداقل گفت و گو و آن هم در حد ضرورت، بسنده کرده اند.

۱. «فَأَنكِحُوهُنَّ بِأَدْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَ لَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ» (قصص، ۲۳).

۲. «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب، ۳۲).

وقتی حضرت موسی علیه السلام از دختران شعیب علیه السلام می پرسد: «کار شما چیست؟»^۱ آن ها فقط به این پاسخ بسنده می کنند: «ما [این دام هایمان را] آب نمی دهیم تا [این] شبانان [دام هایشان را] برگردانند و پدر ما پیری کهن سال است [به این علت از انجام این کار معذور است].»^۲

۸.۲. ضابطه ورود مردان به حریم خصوصی زنان

از دیگر تدابیر رسول خدا صلی الله علیه و آله برای جلوگیری از اختلاط زن و مرد، نهی مردان از این بود که بدون اجازه بر زنان وارد شوند. این دستور به این خاطر است که اگر زن پوشش مناسبی ندارد، نگاه نامحرم به او نیفتد. نقل شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به همراه جابر، به خانه امام علی علیه السلام رفتند. ایشان ابتدا پشت در ایستادند و از حضرت زهرا علیه السلام، اجازه ورود خواستند و پس از اینکه ایشان پوشش مناسب برگزیدند و اجازه دادند، پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه وارد شدند (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۱، ۲۱۳).

۹.۲. تدبیر امام علی علیه السلام برای بدرقه عایشه

در گزارشی آمده است که پس از پایان جنگ جمل، امام علی علیه السلام برای حفظ حرمت عایشه، او را به همراه چهل زن به مدینه فرستادند. ایشان به این چهل زن دستور داده بودند که عمامه بر سر گذاشته، شمشیر بردارند و تا پایان سفر، کسی را مطلع نکنند. عایشه در راه با خود چنین می گفت: «حساب علی بن ابی طالب با خداست. او مردانی را همراه من کرده است.» وقتی به مدینه رسیدند و زنان عمامه خود را برداشتند، عایشه با دیدن آنان گفت: «خداوند بهشت را نصیب علی گرداند.» (ابن قتیبه، ۱۴۱۰: ۱۰۸ و ۱۰۹؛ یعقوبی، بی تا: ج ۲، ۸۱ تا ۸۷).

۱. «ما حَظَبُکُمَا» (قصص، ۲۳).

۲. «قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يَصْذَرَ الزَّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» (قصص، ۲۳).

با بررسی اشکال حضور زنان در جامعه جاهلی، مشخص شد که در این دوران، شرایط برای کمال و رشد زنان، آنچنان که باید مهیا نبوده و ایشان به حرفه‌هایی مشغول بودند که با ساختار خلقت ایشان سازگاری نداشته است. آن‌ها در عرصه‌های فحشا، کهنات، حضور اقتصادی منجر به جنگ در برخی اوقات، حضور نظامی با ترغیب مردان به جنگ به وسیله تهییجات جنسی و حضور فرهنگی که به ندرت دوشادوش مردان به جایگاه سرودن شعر دست می‌یافتند، فعال بودند؛ اما این دوران، با روی کار آمدن حکومت پیامبر ﷺ تا حد زیادی دگرگون شد و زنان با فراگیری علم، هجرت، شرکت در جنگ‌ها، حضور اقتصادی، شرکت در مسائل سیاسی و دفاع از پیامبر ﷺ به جایگاه واقعی خود نزدیک شدند. دوران حکومت امام علی علیه السلام نیز ادامه رویکرد پیامبر ﷺ بود و شرایط برای کمال و شکوفایی زن بیش از پیش فراهم شد.

پس از بررسی راهکارهای پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام برای حضور صحیح زنان در جامعه، چنین برداشت می‌شود که ضرورت و اضطرار، بخش جدایی‌ناپذیر حضور ایشان در اجتماع است. توجه به نحوه گام برداشتن زنان، نحوه پوشش شامل تهیه خمار برای دختران، تذکر بابت پوشش ایشان و محدوده نگاه به نامحرم از مواردی هستند که بر این ملاک صحنه می‌گذارند. همچنین، نحوه بیعت زنان با پیامبر ﷺ به صورت کلامی یا از پس پرده یا در ظرف آب، تأکید بر اجتناب از دوستی با نامحرم، تفکیک زن و مرد در محیط کار و عبادت، مقدار مجاز گفت‌وگو با نامحرم و تدبیر امام علی علیه السلام برای بدرقه عایشه، محدوده مجاز حضور زنان در جامعه از نگاه پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام را مشخص می‌کنند. از مجموع این موارد، چنین برداشت می‌شود که پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام میزان حضور زنان را در حد ضرورت و برای هدفی والا مجاز می‌دانند؛ براین اساس، مواردی خارج از این محدوده مجاز نخواهد بود؛ بنابراین، راهکارهای این دو معصوم علیه السلام می‌تواند الگویی مناسب برای حضور صحیح زنان در اجتماع و متناسب با ساختار خلقت و فطرت زن برای شرکت در اجتماع باشد.

فهرست منابع

١. ابن اثير، على بن محمد، ١٤٠٩، اسد الغابة في معرفة الصحابة، بيروت: دار الفكر.
٢. ____، ١٤١٧، الكامل في التاريخ، به تحقيق عمر عبدالسلام تدمري، بيروت: دار الكتاب العربي.
٣. ابن اعثم كوفي، محمد بن علي، ١٣٧٢ش، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفي هروي، به تحقيق غلامرضا طباطبائي مجد، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامي.
٤. ابن بابويه، محمد بن علي، ١٤١٣، من لا يحضره الفقيه، به تحقيق علي اكبر غفاري، ج ٢، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٥. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، ١٤١٥، الاصابة في تمييز الصحابة، به تحقيق عادل احمد، بيروت: دار الكتب العلمية.
٦. ابن حنبل، احمد بن حنبل، ١٤١٩، مسند، به تحقيق السيد ابوالمعاطي النوري، بيروت: عالم الكتب.
٧. ابن سعد، محمد بن سعد، ١٩٦٨، طبقات الكبرى، به تحقيق احسان عباس، بيروت: دار صادر.
٨. ابن طيفور، احمد بن ابي طاهر، ١٩٠٨، بلاغات النساء، قاهره: مطبعة مدرسة والده عباس الاول.
٩. ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله، ١٤١٢، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، بيروت: دار الجيل.
١٠. ابن عفي، عبدالله، ١٩٣٢، المرأة العربية في جاهليتها و اسلامها، مدينه: مكتبة الثقافة.
١١. ابن عقدة كوفي، احمد بن محمد، بي تا، فضائل امير المؤمنين عليه السلام، به تحقيق عبدالرق محمد حسين فيض الدين، بي جا: بي نا.
١٢. ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم (منسوب به)، ١٤١٠، الامامة و السياسة المعروف بتاريخ

الخلفاء، به تحقیق علی شیری، بیروت: دار الاضواء.

۱۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۰۷، البداية و النهاية، بیروت: دار الفكر.

۱۴. ابن هشام، ۱۹۵۵، سيره، به تحقیق مصطفی السقا، مصر: بی نا.

۱۵. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، ۲۰۰۹، سنن، به تحقیق شعیب ارنؤوط، دمشق: دار الرسالة.

۱۶. ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۱، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۰۷، صحیح، به تحقیق مصطفی دیب البغاء، ج ۳، بیروت: دار ابن کثیر، الیمامة.

۱۸. بغدادی، محمد بن حبیب، ۱۴۰۵، المنق فی اخبار قریش، به تحقیق خورشید احمد فاروق، بیروت: عالم الکتب.

۱۹. __، بی تا، المجبر، به کوشش ایلزه لیختن شتیر، بیروت: دار الآفاق الجديدة.

۲۰. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۴۱۷، کتاب الجمل من انساب الاشراف، به تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفكر.

۲۱. بوصیری، احمد بن ابی بکر، ۱۴۲۰، اتحاف الخیرة المهرة بزوائد المسانید العشرة، ریاض: دار النشر.

۲۲. بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین، ۱۴۰۵، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة، به تحقیق عبدالمعطی قلعجی، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۲۳. __، ۱۴۲۴، السنن الکبری، به تحقیق محمد عبدالقادر، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۲۴. جبوری، یحیی، ۱۹۸۹، الملابس العربیة فی الشعر الجاهلی، بیروت: دار المغرب الاسلامی.

۲۵. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، وسائل الشیعة، به تحقیق مؤسسة آل البيت (علیه السلام)، قم: مؤسسة آل البيت (علیه السلام).

٢٦. حسینی زبیدی، محمد بن محمد، ١٤١٤، تاج العروس من جواهر القاموس، به تحقیق علی هلالی و علی سیری، بیروت: دار الفکر.
٢٧. حلبی، علی بن ابراهیم، ١٤٠٠، السیرة الحلیبة فی سیرة المؤمن المأمون، بیروت: دار المعرفة.
٢٨. خویی، ابوالقاسم، ١٣٧١ق، معجم رجال الحديث، ج ٥، قم: مدينة العلم.
٢٩. رازی، ابوالفتح، ١٤٠٨، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی.
٣٠. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ١٤١٢، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
٣١. زمانی، حبیب، ١٣٩٠، «جایگاه و نقش زنان صدر اسلام در بیعت و هجرت»، معرفت، س ٢٠، ش ١٧٠، ص ٩١ تا ١٠٢.
٣٢. سیوطی، عبدالرحمن ابن ابی بکر، ١٤٠٤، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آية الله مرعشی نجفی.
٣٣. صدوق، محمد بن علی، ١٣٨٧ق، التوحید، به تحقیق السيد هاشم الحسینی الطهرانی، قم: جماعة المدرسين.
٣٤. ____، ١٤١٣، من لایحضره الفقیه، به تحقیق علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی.
٣٥. ____، ١٤١٧، الامالی، قم: مؤسسة البعثة.
٣٦. ضبی، عباس بن بکار، ١٤٠٣، اخبار الوافدات من النساء علی معاوية ابی سفیان، به تحقیق سکینه الشهابی، بیروت: دار النشر مؤسسة الرسالة.
٣٧. طبری صغیر، محمد بن جریر، ١٤١٣، دلائل الامامة، قم: مؤسسة بعثت.
٣٨. طبری، محمد بن جریر، ١٤٠٧، تاریخ الامم و الملوك، بیروت: دار الکتب العلمیة.
٣٩. ____، ١٤١٢، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
٤٠. فروخ، عمر، ١٩٨٤، تاریخ الجاهلیة، بیروت: دار العلم للملایین.

۴۱. قتال نیشابوری، محمد بن احمد، بی‌تا، روضة الواعظین، قم: منشورات رضی.
۴۲. فراهیدی، خلیل، ۱۴۰۹، کتاب العین، به تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، ج ۲، بی‌جا: موسسه دار الهجرة.
۴۳. قمی، شیخ عباس، ۱۴۱۶، سفینه البحار، به کوشش مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد: آستان قدس رضوی.
۴۴. کحاله، عمر رضا، بی‌تا، اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، بیروت: الرسالة.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹، الکافی، به تحقیق دار الحديث، قم: دار الحديث.
۴۶. لوبون، گوستاو، ۱۳۳۴، تمدن اسلام و غرب، ترجمه فخر داعی گیلانی، چ ۴، تهران: بنگاه مطبوعاتی علی اکبر علمی.
۴۷. مجلسی، محمدباقر، بی‌تا، بحار الانوار، بیروت: موسسه وفاء.
۴۸. مسلم نیشابوری، بی‌تا، الصحيح، به تحقیق محمد فواد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء تراث العربی.
۴۹. مفید، محمد بن نعمان، ۱۳۴۶، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، تهران: انتشارات علمیة اسلامیه.
۵۰. ____، ۱۴۱۴، الکافئه، به تحقیق علی اکبر زمانی نژاد، بیروت: دار المفید للطباعة و النشر و التوزیع.
۵۱. مقاتل بن سلیمان، ابوالحسن، ۱۴۲۳، تفسیر مقاتل بن سلیمان، به تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء تراث.
۵۲. نسائی، احمد بن علی، ۱۴۰۶، السنن الصغری، به تحقیق عبدالفتاح ابوغده، حلب: المطبوعات الاسلامیه.
۵۳. نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل، قم: موسسه آل البيت ﷺ.
۵۴. واقدی، محمد بن عمر، ۱۴۱۴، المغازی، به تحقیق مارسدن جونز، بیروت: عالم الکتب.

۵۵. یعقوبی، احمد بن اسحاق، بی تا، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.